

نقد و بررسی روش تفسیر علمی قرآن

بدیهی است که قرآن علاوه بر بیان احکام و مسایل تعبیدی، برای تبیین آنچه که در راستای تأمین سعادت دنیا و آخرت و راهیابی انسان در مسیر کسب فضایل عالیّه و طلب رضوان الهی مربوط است...



بدیهی است که قرآن علاوه بر بیان احکام و مسایل تعبیدی، برای تبیین آنچه که در راستای تأمین سعادت دنیا و آخرت و راهیابی انسان در مسیر کسب فضایل عالیّه و طلب رضوان الهی مربوط است، نازل شده و تنها برای بیان علوم نیامده است ولی می توان گفت که قرآن اشاراتی علمی دارد که در راستای اهداف هدایتی و تربیتی خود از آن ها استفاده کرده است. برخی مفسران در تفسیر علمی افراط کرده و از اهداف هدایتی و تربیتی قرآن غفلت کرده اند (همچون طنطاوی در الجواهر) ولی ممکن است در یک تفسیر، هم مطالب علمی قرآن بررسی شود و هم مقاصد عالی آن؛ مانند: هدایت، تربیت و... فراموش نشود. اگر مفسر، دچار خطا شود، دلیل خطا بودن شیوه تفسیری نخواهد بود، بلکه او افراط کرده ولی تفسیر علمی، به نحو معتدل و همراه با استفاده از روش های دیگر تفسیر و توجه به اهداف عالی قرآن بلا اشکال است.

این نوشتار تلاشی اندک است در جهت بیان ملاک و معیارهایی که مفسر لازم دارد تا در هنگام تفسیر آیات علمی قرآن آنها را مبنا قرار دهد تا از آفت تفسیر به رأی و خودباختگی در مقابل زرق و برق علوم امروز مصون ماند. دلایل موافقان و مخالفان در حد ظرفیت مقاله مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهای اساسی برای داشتن تفسیری صواب و معتدل از آیات علمی با توجه به تجربیات و نظریات اندیشمندان قرآنی ارائه و بیان شده است

مقدمه

یکی از مباحث گسترده و عمیق در عصر حاضر، مبحث قرآن و علوم جدید است که ذهن بسیاری از مفسران شیعه و سنی و حتی برخی دانشمندان غیر مسلمان را به خود مشغول کرده است.

برخی نویسندگان در توضیح اصطلاح تفسیر علمی در آغاز به بیان مفهوم لغوی و اصطلاحی علم پرداخته اند و مثلاً گفته اند: «علم از حیث لغوی، مصدري است مرادف با معنای فهم و معرفت، و نیز مرادف با جزم، آنگاه که از حیث معنا مقابل ظن، شک یا وهم باشد.» علم در نزد فیلسوفان یعنی: «صورۃ الشیء الحاصلة فی العقل» و در نزد متکلمان یعنی «صفة یتجلی بها الامر لمن قامت به» و در نزد مادیون تنها منحصر به یقینیات مستند به حس است.

پیداست که پرداختن به این مباحث در این نوشته، باعث طولانی شدن مطلب و دور افتادن از موضوع اصلی بحث می شود، بنابراین از پرداختن به این مباحث چشم می پوشیم.

همچنین مباحث مربوط به ماهیت علم تجربی و رابطه آن با قرآن و قلمرو حوزه های علم، قرآن و تعارضات پنداری و ابتدایی در این مورد، و از طرف دیگر علاقه ی مردم و دانشمندان به این مبحث و دیدگاه های متفاوت مفسران و از طرف سوم مثال های متنوع و زیاد که حدود هزار آیه قرآن را در بر می گیرد، سبب شده که مبحثی گسترده به نام «تفسیر علمی» در روش شناسی تفسیر علمی پیدا شود. هر چند در این باره موضوع ها و مقدمه های دیگری هم وجود دارد که نیاز به کاوش و بررسی دارد. مانند: آیا همه علوم بشری در قرآن وجود دارد یا نه؟ و هدف از آیات علمی قرآن چیست؟

این مقاله با بررسی تعاریف تفسیر علمی قرآن، و تاریخ آن، در نهایت به این نتیجه می رسد که انکار تفسیر علمی، ایدئولوژیک، اشاری یا نظایر آن ها بی فایده است، بلکه باید روشن کرد که چرا این کار را به لحاظ روشی منکر هستیم و چه ضوابط اساسی بر تعامل ما با متن بنیادی فرهنگ اسلامی مان حاکم هستند؟

تعریف تفسیر علمی

ابتدا باید معلوم شود که منظور از تفسیر علمی چیست؟ بدیهی است که منظور از علم، همان علم تجربی است که برای اثبات صحت تئوری های خود از روش آزمون و خطا بهره می برد.

محققان در مقام تعریف و توضیح تفسیر علمی دو دسته هستند:

تعاریف دسته اول اگرچه در صورت با هم مختلف هستند، اما مرجع همه ی آن ها دارای يك محتوا و مفهوم است. این گروه تفسیر علمی را تفسیری دانسته اند که اشاراتی گذرا به بسیاری از اسرار طبیعت دارد که علم جدید به کشف آن ها نائل شده است. (محمد هادی معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج 2، ص 443)

همچنین گفته اند: تفسیر علمی قرآن، تفسیری است که طبق آن، حقایق علمی ثابت در جهان تکوین و طبیعت از راه دلالت الفاظ بر معانی، با مقصد آیات الهی مربوط می شود. (محمد علی ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص 93).

دسته دوم از اهل تحقیق، تفسیر علمی را به گونه ای دیگر تعریف کرده اند. اینک به بیان سه تعریف از این گروه پرداخته و آنگاه اشاراتی در مورد آن ها خواهیم داشت:

تعریف اول:

تفسیر علمی، تفسیری است که معتقد به آن درصدد استخراج علوم قدیم و جدید از قرآن است و قرآن را میدانی وسیع برای عرضه ی علوم فلسفی و انسانی در طب، تشریح، جراحی، فلک، ستاره شناسی و اصول علم صنعت و معدن می داند. و همچنین، آیات قرآن را دربردارنده ی تمامی این جهات می داند و اصطلاحات علمی را بر قرآن کریم حاکم می کند و تلاش بر استخراج این علوم از قرآن دارد. (امین الخولی، مناهج التجديد في النحو والبلاغة والتفسير والادب، ص 287).

تعریف دوم:

تفسیر علمی، تفسیری است که اصطلاحات علمی را بر عبارات قرآن حاکم می داند و برای استخراج علوم مختلف و آرای فلسفی از آن تلاش می کند. (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج 2، ص 474).

تعریف سوم:

تفسیر علمی، تفسیری است که قائلان به آن، قصد برقراری سازگاری میان عبارات قرآن با نظریات و اصطلاحات علمی را دارند و برای استخراج مسائل مختلف علوم و آرای فلسفی از آن، تلاش بسیار می کند. (عبدالسلام المحتسب، اتجاهات التفسير في العصر الحديث، ص 247).

به خوبی پیداست که هر سه تعریف با تعاریف دسته اول از پژوهشگران، تفاوت بسیار دارد و درواقع بیانگر نظریه ای افراطی در باب شمول قرآن بر مسائل علمی است. توضیح این که: میان دلالت قرآن بر برخی یافته های علمی که دو تعریف نخست بیانگر آن بود با امکان استخراج همه علوم قدیم و جدید از قرآن، تفاوتی آشکار است.

سه تعریف اخیر، چنین نشان می دهد که قرآن شامل همه ی علوم است، از آن حیث که علم هستند. اما دو تعریف نخست، گویای آن است که قرآن هنگام بیان مظاهر هستی، از خورشید و ماه گرفته تا گیاهان و بارش باران، چنان لحنی به خود نمی گیرد که گویی درصدد آن است که قواعد علمی این مظاهر را در اختیار ما بگذارد.

نکته دیگری که می توان درباره سه تعریف اخیر و تعاریف نظایر آن گفت این است که این نوع تعاریف، چندان با چهارچوبی که قائلان به تفسیر علمی ترسیم کرده اند، سازگار نیست. زیرا ایشان بر این باور نیستند که اصطلاحات علمی را حاکم بر عبارات قرآن کنند - اگرچه گروهی از ایشان چنین نیز کرده اند - بلکه قصد ایشان بیشتر بیان وجهی از وجوه اعجاز قرآن و نزدیک کردن فهم آن به عقول مردم با استفاده از علم است. (التفسير العلمي للقرآن في الميزان، ص 66).

پس از این نقد وتوضیح ها اینک می توانیم تفسیر علمی را چنین تعریف کنیم:

تفسیر علمی، تفسیری است که مفسر در آن درصدد فهم عبارات قرآن و کشف سَرِّی از اسرار اعجاز قرآن در سایه ی یافته های علمی است. از این حیث که برخی آیات قرآن دربردارنده ی این معلومات دقیق علمی است که هنگام نزول، بر بشر پوشیده بوده اند. این امر نشان می دهد که قرآن از سنخ سخن بشر نیست و آفریده ای الهی و آسمانی است.

اگرچه در این تعریف پیشنهادی نیز ممکن است نوعی جانبداری از تفسیر علمی به نظر آید، ولی حداقل با اقرار کسانی که قرآن را با این شیوه تفسیر کرده اند، سازگار است؛ چراکه هیچ يك از آن ها به صراحت نگفته اند که قصدشان از تفسیر علمی قرآن، تطبیق یا تحمیل داده های علم جدید بر آن است. بنابراین، این تعریف دست کم با نیت اولیه این مفسران، مطابق است.

با نگرش کلی بر دیدگاه های مفسران درمی یابیم که توجه به تفسیر علمی از دو چیز مایه می گرفته است:

الف) اهمیت و اعتبار علم در کشف حقایق

ب) تاثیر علم در رشد و تعالی جوامع

در نتیجه مفسرانی که درصدد فهم درست آیات مربوط به قلمرو علوم بوده اند، ناگزیر نیم نگاهی نیز به دستاوردهای علمی داشته اند، زیرا برداشت های پیشینیان از این گونه آیات، پایه ی محکم علمی نداشته و مفسران دوره های جدید ناچار به اصلاح برداشت های پیشینیان شده اند. برای نمونه:

1 - اصلاح تصور پیشینیان در باب شهاب ها و آسمان های هفت گانه (المیزان، ج 17، ص 124)،

2 - رد نظریه غیر علمی مرکزیت زمین (تفسیر مراغی، ج 13، صص 63-67).

3 - کشف حرکت واقعی خورشید و نه حرکت ظاهری روزانه آن به دور زمین

4 - کشف کوه های یخ در آسمان و... (اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج 12، ص 284).

اینها از مواردی هستند که واقعیت های علمی، مفسران را به ارائه تفسیری دیگر از آیات واداشته است.

نقش علوم در توسعه و پیشرفت جوامع، عامل دیگر بهره گیری از کشفیات علمی در تفسیر قرآن است. قائلان به تفسیر علمی چنین وانمود کرده اند که هسته ها و مبادی پیشرفت های اجتماعی، در متن کتاب دینی مسلمانان وجود داشته است.

طنطاوی را که می توان از بارزترین چهره های گرایش علمی درتفسیر قرآن در قرون اخیر دانست، در بیان انگیزه ی روی آوردن به تفسیر علمی ضمن آرزوی تعالی جامعه اسلامی در زمینه های علمی، به این نکته اشاره می کند که آنچه از آیات مربوط به علوم در قرآن آمده است، بیش از هفتصد و پنجاه آیه است، در حالی که آیات فقهی - آن مقدار که صریح است - از صد و پنجاه تجاوز نمی کند. (الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، ج 1، ص 3).

یکی دیگر از پژوهشگران بر این باور است که رویکرد مفسران به تفسیر علمی برای بیان اعجاز علمی قرآن بوده است و پرداختن به این مفاهیم در قرآن، بهترین روش توجه دادن نسل جدید به قرآن در عصر علم است.

پیشنه ی تاریخی تفسیر علمی و علل رشد آن

قبل از بیان پیشینه تاریخی تفسیر علمی باید به این نکته اشاره کنیم که اگر چه همه ی قائلان به تفسیر علمی اذعان داشتند که قرآن دربردارنده ی علوم اولین و آخرین است و همه چیز قابل استخراج از قرآن است، اما در چگونگی و اسلوب تطبیق این ایده بر مفاهیم قرآن با یکدیگر اختلاف داشته اند، مثلاً؛ غزالی قرآن را مشتمل بر تمام علوم می دانست و در عوض فخر رازی بیشتر در جست وجوی ردیابی دو علم فلك و هیئت در آیات قرآن بود. زرکشی نیز تنها به نقل قول عالمان پیشین در این باره اکتفا می کرد و با اضافه کردن برخی شواهد به سخن خود، استنباط مفاهیم علمی از قرآن را به بعضی دانشمندان نسبت می داد (التفسیر العلمی...، ص 145). و بالاخره سیوطی نیز در این امر تفاوت چندانی با زرکشی نداشت. او نیز اقوال پیشین را به همراه برخی شواهد نقل می کرد و آنگاه در پایان سخن خود به گونه ای کلی چنین می گفت: «و انا اقولُ قَدْ اشْتَمَلَ کتابُ اللّهِ العزیز علی کل شیءٍ». (الاتقان، ج 2، ص 1035).

اینکه به اختصار سخن دو تن از قائلان به تفسیر علمی و نقش هریک در پدید آمدن این روش را ذکر می کنیم:

۱. ابوحامد غزالی: غزالی شاید نخستین کسی است که دست مایه های اولیه ی روشی که اینک آن را تفسیر علمی می نامیم، ترویج کرد و بر آن پای فشرد. اگرچه گروهی بر این اعتقادند که خاستگاه های نخستین این روش تفسیری به عصر صحابه باز می گردد. (التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، ص 146).

اما بررسی نشان می دهد که نقل برخی سخنان صحابه در باب اشتغال قرآن بر همه علوم، دقیقاً همان چیزی نیست که اینک و در قرون معاصر آن را به نام تفسیر علمی می شناسیم، اگر هم چنین باشد باید آن را به عنوان ایده ای که در آن روزگار به جریان تفسیری نیرومند بدل نشد، بپذیریم و نه بیشتر.

غزالی در احیاء علوم الدین با نقل روایتی (مَنْ أَرَادَ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَلْيَتَدَبَّرِ الْقُرْآنَ) از ابن عباس: بر این عقیده است که قرآن دربردارنده ی هفتاد و هفت هزار و دویست علم است. (احیاء علوم الدین، ج 1، ص 289).

آنگاه در کتاب جواهر القرآن پس از تقسیم علوم قرآن به دو دسته ی علم ظاهر (علم الصدق و القشر) و علم باطن (علم اللباب) می پذیرد که ریشه های این علوم خارج از قرآن نیست و همه ی آنها برآمده از یک دریای بی ساحل است. غزالی سپس نمونه هایی از آیات را می آورد و آن ها را مطابق این تقسیم بندی دوگانه خود شرح می کند. (جواهر القرآن، صص 21-30).

می بینیم که غزالی بر آن نیست مدعی شود که تفصیل همه علوم در قرآن موجود است، بلکه معتقد است که موازین و کلیدهای راهیابی به آن ها را می توان در قرآن بازیافت (القسطاس المستقیم، ص 70 و 91).

۲. فخر رازی: اگر غزالی را - با تسامح - مروج مبانی نظری روش علمی در تفسیر قرآن بدانیم، رازی نیز مفسری است که آن مبانی را در عمل با آیات قرآن مطابق و سازگار دید و در تفسیر خود بر همین شیوه رفتار کرد. رازی بر این اعتقاد بود که قرآن لبریز است از استدلال بر قدرت، علم و حکمت الهی که به وسیله بیان احوال آسمان و زمین و پی در پی آمدن روز و شب و دیگر مظاهر علمی جهان تکوین، بیان می شود. اگر بحث در باب این امور و تأمل در آن ها جایز نبود (استدلال به روش علمی) ذکر از این امور در قرآن نبود. تفسیر رازی باتوجه به گرایش کلامی که او به آن وابسته بود، دربردارنده ی بسیاری از معارف و علوم است که در روزگار رازی مطرح بوده است. نتیجه این گرایش نیز وجود اشارات علمی بسیار در تفسیر اوست که آن ها را از میراث علمی یونان و عرب برگرفته است.

در عین حال باید این نکته را در باب گرایش علمی رازی در تفسیر قرآن تذکر دهیم که: او هرگز معتقد نبود که قرآن بالفعل شامل همه علوم و معارف است، بلکه بر این اعتقاد بود که قرآن ما را به دقت در قوانین و سنن گوناگون پراکنده در هستی فرا می خواند و ما تنها در سایه ی آگاهی از برخی علوم و معارف می توانیم به درک جامع و درستی از این قوانین الهی نایل شویم. بنابر عقیده رازی، گرایش به این شیوه در تفسیر قرآن، تنها به قصد بیان معارف علمی نیست، بلکه بیان یافته های علمی و اثبات سازگاری آن ها با قرآن، اثری عظیم در تقویت یقین و ازاله شبهات دارد. (تفسیر کبیر، ج 14، ص 122).

اقسام تفسیر علمی از جهت شکل و شیوه ی تفسیر

تفسیر علمی، روش تفسیری است که خود دارای روش های فرعی متفاوتی است که بعضی به تفسیر به رأی و شماری دیگر به تفسیر معتبر و صحیح منجر می شود و همین مطلب موجب شده، تا برخی تفسیر علمی را رد کنند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل بنامند و گروهی آن را قبول کنند و بگویند تفسیر علمی، یکی از راه های اثبات قرآن است. ما در این جا شیوه های فرعی تفسیر علمی را مطرح می کنیم، تا هر کدام جداگانه به معرض قضاوت گذارده شود و از خلط مباحث جلوگیری شود.

الف: استخراج همه علوم از قرآن کریم

طرفداران قدیمی تفسیر علمی، مانند: ابن ابی الفضل المرسی، غزالی و... کوشیده اند تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند. زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد و در این راستا، آیاتی که ظاهر آن ها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می کردند و هر گاه ظاهر قرآن کفایت نمی کرد، دست به تأویل، می زدند و ظاهر آیات را به نظریه ها و علوم که در نظر داشتند، بر می گرداندند. از این جا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می کردند.

برای مثال: از آیه شریفه «وَإِذَا مَرَضَتْ فُھُو یَشفین». (سوره شعراء- آیه 80).

آن جا که خداوند از قول حضرت ابراهیم (ع) نقل می کند که «و هنگامی که بیمار شوم اومرا شفا می دهد، علم پزشکی را استخراج کردند. (ابو حامد غزالی، جواهر القرآن، ص 27، فصل خامس) علم جبر را از حروف مقطعه اوایل سوره ها استفاده کردند. (التفسیر والمفسرون، ج 2، ص 481، از ابن ابی الفضل موسی نقل می کند)

از آیه شریفه (إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا) (الزلزلة/1)

زمین لرزه سال 702 ق را پیش بینی کردند. (البرهان فی علوم القرآن، ج 2، ص 181 - 182).

روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات زیاد، در آیات قرآن بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آن ها می شود. از همین روست که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجازگویی دانسته اند. البته در این قسم از تفسیر علمی، حق با آنان است. (التفسیر والمفسرون، ج 2، ص 485 - 494).

ب: تطبیق و تحمیل نظریه های علمی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد، با مسلم پنداشتن قوانین و نظریه های علوم تجربی، سعی کردند تا آیاتی موافق آن ها در قرآن بیابند و هر گاه آیه ای موافق با آن نمی یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را بر خلاف معانی ظاهری حمل می کردند.

برای مثال در آیه شریفه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا رُؤُوسَكُمْ (الأعراف/189)

اوست خدایی که همه شما را از یک تن آفرید و از آن نیز جفتش را مقرر داشت، کلمه نفس را، به معنای پروتون و زوج را الکترون معنی کردند و گفتند منظور قرآن، این است که همه شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است آفریدیم و در این تفسیر، حتی رعایت معنی لغوی و اصطلاحی نفس را نکردند. (عبدالرزاق، القرآن و العلم الحديث، ص 156).

این گونه تفسیر علمی در یک قرن اخیر در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی بعضی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق علمی گردید و یکسره تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریه ها و عقاید بر قرآن طرد کردند. چنان که علامه طباطبایی تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد. (ر. ک: مقدمه تفسیر المیزان، ج 1، ص 6).

البته در مورد این نوع تفسیر علمی، حق با مخالفان آن است؛ چرا که مفسر در هنگام تفسیر باید از هر گونه پیش داوری خالی باشد، تا بتواند تفسیر را صحیح انجام بنویسد و اگر یک نظریه علمی را انتخاب و بر قرآن تحمیل کند، پا را در طریق تفسیر به رأی گذاشته که در روایات وعده عذاب به آن داده شده است.

ج: استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می کند و سعی می کند با استفاده از مطالب قطعی علوم که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می شود و با ظاهر آیات قرآن - طبق معنی لغوی و اصطلاحی - موافق است، به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان های تشنه ی حقیقت قرار دهد. این شیوه تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

در این شیوه تفسیری، باید از هر گونه تأویل و تفسیر به رأی، پرهیز کرد و تنها به طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت: زیرا علوم تجربی به سبب استقرار ناقص و مبنای ابطال پذیری - که اساس آن هاست - نمی توانند نظریه های قطعی بدهند. برای مثال از آیه شریفه «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا (یس/38).

«خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد» مردم همین حرکت حسی و روزمره خورشید را می دانستند، در حالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است. زمین در حرکت است. از این رو ما خورشید را متحرک می بینیم. همان طور که شخص سوار بر قطار، خانه های کنار جاده را در حرکت می بیند. با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد که خورشید هم، خود دارای حرکت انتقالی است - نه حرکت کاذب، بلکه واقعی - و نه تنها خورشید بلکه تمام منظومه شمسی و حتی کهکشان راه شیری، در حرکت است. دکتراریک اوبلاکر، فیزیک نوین، ص 45 - 48).

پس می گوئیم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم می گوید که خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی، حرکت انتقالی و... خورشید است. علاوه بر آن، قرآن از «جریان» خورشید سخن می گوید نه حرکت آن، و در علوم جدید کیهان شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که در اثر انفجارات هسته ای مرتب زیر و رو می شود. (همان).

و آن در فضا جریان دارد و همچون گلوله ای جامد نیست که فقط حرکت کند بلکه مثل آب در جریان است.

در ضمن از این نوع تفسیر علمی، اعجاز علمی قرآن نیز اثبات می شود.

برای مثال، قانون زوجیت تمام گیاهان، در قرن هفدهم میلادی کشف شد، اما قرآن حدود ده قرن قبل از آن، از زوج بودن تمام گیاهان بلکه همه ی موجودات سخن گفته است. (مضمون این معیار را آیت الله مکارم شیرازی در کتاب قرآن و آخرین پیامبر، ص 147) آورده اند و در کلمات بسیاری از معتقدان به تفسیر وجود دارد.

معیارهای تفسیر علمی معتبر

در روش های تفسیری دو گونه شرط و معیار وجود دارد. یک قسم شرایط و معیارهای عام که باید در تمام روش های تفسیری مراعات

شود و قسم دوم شرایط و معیارهای خاصی که باید در هر روش تفسیر خاص، رعایت شود. در این جا هدف ما بیان شرایط و معیارهای قسم دوم (خاص) است.

معیارهای خاص روش تفسیر علمی قرآن

- 1 - ضروری است، تفسیر علمی با علوم تجربی قطعی صورت پذیرد.
- الف: اگر علوم تجربی یقینی و قطعی بود، می توان قرآن را بر اساس آن تفسیر کرد.
- ب: اگر مطالب علوم تجربی به صورت نظریه های پذیرفته شده در علم باشد، می توان به صورت احتمالی بیان کرد که شاید این آیه اشاره به این مطلب علمی باشد اما نمی توان به طور قطعی مطلبی را به قرآن نسبت داد، چرا که این علوم قطعی نیست.
- ج: اگر مطالب علوم تجربی به صورت فرضیه های احتمالی در علم باشد، هنوز مورد پذیرش عام جامعه علمی قرار نگرفته و قطعی نشده است. نمی توان قرآن را با آن ها تفسیر کرد، چرا که این فرضیه ها در معرض تغییر است و همان اشکالاتی را در پی دارد که مخالفان تفسیر علمی می کردند.
- 2 - دلالت ظاهر آیه قرآن بر مطالب علوم تجربی مورد نظر روش باشد و تحمیلی بر آیه صورت نگیرد. یعنی در تفسیر علمی باید تناسب ظاهر آیه با مسائل علمی مورد نظر رعایت شود، به طوری که معانی الفاظ و جملات آیه با علمی همخوان باشد و نیاز به تحمیل نظر بر آیه نباشد.
- 3 - استفاده از گونه صحیح تفسیر علمی، یعنی استخدام علوم در فهم و تبیین و تفسیر قرآن و پرهیز از گونه های ناصحیح همچون: استخراج علوم از قرآن و تطبیق و تحمیل نظریه های علمی بر قرآن.

دلایل موافقان تفسیر علمی قرآن

گروهی چنین پنداشته اند که موافقان تفسیر علمی لزوماً کسانی هستند که معتقدند قرآن دربردارنده ی ریز و درشت مسائل علمی است. معلوم است که طرفداران این عقیده که چندان هم زیاد نیستند مربوط به دوره های معاصر در تاریخ تفسیر هستند، یعنی دوره ای که دستاوردهای نوین علوم تجربی در اختیار بشر قرار گرفت و پیش از این اساساً روشی به نام تفسیر علمی وجود نداشت. در دوره ی معاصر نیز علاوه بر این که تفسیر علمی مخالفانی دارد، کسانی نیز روش میانه را در برخورد با تفسیر علمی اختیار کرده اند (التفسیر العلمي...، صص 270-219).

اینک دلایل موافقان تفسیر علمی را با ملاحظات پیرامون آن می آوریم.

۱. مبنای عام موافقان تفسیر علمی به این نکته بازمی گردد که قرآن دربردارنده ی علوم گوناگون است و در اثبات این امر هم به آیه (ما فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ) (انعام / 38) و هم به این حدیث که از ابن مسعود نقل شده است: (انزلَ في هذا القرآن كلُّ علمٍ و بین لنا فيه كل شیء، ولكن علمنا يقصر عما بین لنا في القرآن) استدلال کرده اند. این دلیل درواقع بیانگر جامع بودن قرآن نسبت به همه حقایق است که در جهان هست. بخشی از این حقایق، چیزهایی است که به وسیله ی علم، کشف و شناسایی می شود. (تفسیر روح المعانی، ج 2، ص 471).

درباره ی این دلیل می توان ملاحظات را یادآور شد:

اولاً: جامعیت قرآن لزوماً به این معنی نیست که قرآن مشتمل بر همه چیز است، بلکه به این معناست که قرآن شامل عناصر هدایت بخش است و معلوم است که هر دیدگاه علمی حتماً به هدایت انسان منتهی نمی شود.

ثانیاً: همه یافته های علمی در شمار حقایق مسلم نیستند، بلکه گاهی با تردید و احتمال آمیخته اند و گاه نیز ابطال و رد می شود. در نقد این دیدگاه یکی از نویسندگان نوشته است: #171؛ بنابراین فرض که جامع بودن قرآن را با همان معنی گسترده بپذیریم، این مطلب هیچ گاه تجویزکننده ی تفسیر وحی به علم نمی شود. تکیه بر نظریه های علمی برای تفسیر متن دینی، نیاز به اجازه دارد.» (فصلنامه پژوهش های قرآنی، ش 7 و 8، ص 120).

۲. برخی از استدلال های موافقان را می توان عقلی دانست. به چند وجه از این دلیل های عقلی اشاره می کنیم: قرآن کریم معجزه الهی است و فهم این معجزه تنها منحصر به فصیحان عرب نیست، بلکه همه ی انسان ها مخاطب کلام الهی اند. از سوی دیگر اعجاز قرآن تنها جنبه ی بلاغی ندارد و وجوه دیگری را نیز داراست که یکی از آن ها وجه علمی اعجاز قرآن است. دریافت این وجه اعجاز قرآنی جز با آگاهی از دانش ها نیست.

برخی از نویسندگان در رویکردی غیر تفسیری، پرداختن به اعجاز علمی قرآن را روشی برای تبلیغ دعوت اسلامی برای غیر عرب دانسته اند و البته تذکر داده اند که نشر این حقایق و اثبات اعجاز علمی قرآن، اثر خاصی در مبارزه علیه الحاد و تثبیت ایمان در دل ها دارد. (عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحديث، ص 9).

می بینیم که در این دلیل، میان تفسیر علمی و اعجاز علمی تمایزی نهاده نشده است. باید تذکر دهیم که بطلان برخی نظریه های علمی که از آن ها در تفسیر قرآن کمک گرفته شده است، نه تنها باعث تقویت ایمان نمی شود، بلکه شاید باعث ضعف آن نیز بشود. وجه دیگر از دلایل عقلی اثبات تفسیر علمی این است که قرآن شامل بسیاری از آیات است که از آن ها به #171؛ آیات الكونية» نام می برند. فهم این دسته از آیات تنها در سایه توجه به داده های علمی روز ممکن است. برخی پژوهشگران باتوجه به دلیل فوق به نقش تفسیر علمی در فهم بهتر قرآن اشاره کرده اند. (یحیی سعید معجری، آیات قرآنیة فی مشکات العلمی، ص 11).

این دلیل نیز با این تأمل رو به روست که:

اولاً: باید قطعیت و ابطال ناپذیری داده های علمی را اثبات کنیم.

ثانیاً: از صحت انطباق آیات بر آن ها مطمئن شویم.

موافقان تفسیر علمی قرآن، دلایل دیگری را نیز در اثبات مدعای خود آورده اند که پرداختن به همه آن ها به زمان و تحقیق بیشتری می طلبد. در پایان بحث مربوط به دلایل موافقان تفسیر علمی، این نکته را یادآور می شویم که مفسر قرآن در عصر علم نمی تواند به طور مطلق و یکسره از توجه به یافته های علمی روی گرداند. توضیح این که برخی یافته های علمی مثلاً می تواند برخی آرای نقل شده در تفاسیر مأثور را سامان دهد یا تصحیح کند، مثلاً در تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن).

در تفسیر آیه (فیه ظلماتٌ وزَعْدٌ وَبَرَقٌ) (بقره / 19) چنین می خوانیم که: رعد نام فرشته ای است که ابرها را می راند و صدایی که از او به گوش می رسد، همان صدای راندن ابرهاست و برق نیز اثر تازیانه ای است که ابرها با آن رانده می شوند. (الجامع لاحکام القرآن، ج 1، ص 217).

همچنین در تفسیر خازن در بحث مربوط به آیه (فَتَكُنْ فِي صَحْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ) (لقمان / 16) چنین می خوانیم که زمین بر پشت یک ماهی استوار شده است. (تفسیر خازن، ج 3، ص 484). می بینیم که تفسیر ضابطه مند علمی حداقل می تواند در نقد و ابطال چنین آرای موثر باشد.

دلایل مخالفان تفسیر علمی قرآن

برای رد ضرورت تفسیر علمی قرآن و اثبات بی اعتبار بودن این روش به دلایل زیر استناد شده است:

1 - قرآن برای بیان احکام و مسایل تعبدی و آن چه به آخرت مربوط است، نازل شده و برای بیان علوم نیامده است و آیات شریفه هم که ظهور در این مطلب دارد مانند:

(وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ) (سوره نحل / 89)

و نیز: (مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ). (الأنعام/38)

مربوط به تعبد و تکلیف است، بلکه منظور از کتاب در آیه دوم لوح محفوظ است. (شاطبی، الموافقات، ج 2 ص 69 - 76؛ ذهبی، التفسیر والمفسرون، ج 2، ص 485)

2 - اگر تمام علوم در قرآن وجود داشته باشد، اصحاب پیامبر اکرم (ص) و تابعان آن را متذکر می شدند، در حالی که کسی از آنان این مطلب را ادعا نکرده است. پس وجود همه علوم در قرآن اثبات نمی شود. (همان، ص 489).

3 - علوم تجربی قطعی نیست و نظریه ها متزلزل است و بعد از مدتی تغییر می یابد و صحیح نیست که قرآن را با علوم متزلزل و غیر قطعی تفسیر کنیم؛ زیرا بعد از مدتی که آن نظریه ها تغییر کند، مردم در مورد بیانات قرآنی شک می کنند و ایمان آنان متزلزل می شود.

4 - تفسیر علمی در بسیاری از موارد به تفسیر به رأی منجر می شود. زیرا افرادی که در صدد تفسیر علمی قرآن هستند، به دلایل متعدد، دچار این مسأله می شوند که عبارت اند از:

الف: بعضی افراد تخصص کافی در قرآن و تفسیر ندارند و بدون داشتن شرایط یک مفسر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می کنند و این یکی از مواردی است که افراد به دام تفسیر به رأی می افتند.

ب: ممکن است بعضی افراد مغرض با استفاده از آیات علمی قرآن، بخواهند نظریه های خود را ثابت کنند که گاهی این نظریه ها انحرافی و حتی الحادی است، ولی این کار را با استفاده از تفسیر علمی انجام می دهند که از مصادیق بارز تفسیر به رأی است.

5 - تفسیر علمی، به مادیگری و دهری گری (اصالت طبیعت و ماده، و نفی خدا) منجر می شود. چنان که بعضی از ملحدان و منکران خدا و گروه های انحرافی که دارای چهره ی نفاق بودند، با تفسیر آیات علمی، نظریه های خود را اثبات می کردند و جوانان را به طرف الحاد فرا می خواندند.

6. تفسیر علمی قرآن به تأویل غیر جایز منتهی می شود. چنان که بعضی افراد برای تفسیر علمی قرآن، از حدود ظواهر الفاظ و آیات می گذرند و هر یک از آیات را که با یک نظریه، یا قانون علمی (که مورد نظر آن هاست) منافات و تعارض دارد، تأویل می کنند تا بتوانند آن نظریه را به قرآن نسبت دهند. (مسیح مهاجری نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، استاد مشکینی تکامل در قرآن، یدالله سبحانی خلقت انسان در بیان قرآن).

7 - تفسیر علمی، امری ذوقی است و هیچ معیار مشخصی ندارد و نمی توان قرآن را با چیزی که معیار ندارد، تفسیر کنیم. زیرا هر کس طبق میل و ذوق خود به تفسیر آیات می پردازد و به این ترتیب تفسیر از طریق صحیح خود خارج می شود.

8 - تفسیر علمی قرآن و آوردن مطالب علمی زیاد، در لابه لای تفسیر قرآن، موجب می شود که مقصد اصلی قرآن که تربیت، تزکیه و هدایت است، فراموش شود. چنان که بعضی از تفسیرهای جدید مانند طنطاوی این گونه عمل کرده اند.

9 - قرآن کتاب هدایت، نور و بیان است، ولی اگر تفسیر علمی کنیم، موجب می شود که قرآن در تفسیر خود، محتاج غیر شود و به جای این که بیان و نور باشد، از دیگران نور، بیان و هدایت طلب کند. در حالی که غیر قرآن محل اختلاف است و مرجع و پناهگاهی ندارد تا هنگام اختلاف، نجات یابد. پس نمی تواند هدایت کننده باشد.

10 - تفسیر علمی موجب می شود که حقایق قرآنی مجاز شود و معانی حقیقی خود را از دست بدهد و قرآن بر اساس لغت عرب صدر اسلام معنا نشود. پس تفسیر علمی صحیح نیست.

دکتر ذهبی در این باره نوشته است: «#171 از نظر لغوی تفسیر علمی معقول نیست، زیرا معنای الفاظ در طول قرون و اعصار، تغییر می کند و معانی لغوی، شرعی و اصطلاحی پدید می آید و بسیاری از این معانی جدید است و در صدر اسلام نبوده است. با این حال، آیا می تواند معقول باشد که خداوند با همان الفاظ، این معانی را که نسل های بعد، پیدا شده اراده کرده باشد؟ این مطلب را کسی

قبول نمی کند مگر آن که عقل خود را انکار نماید.»

(التفسیر والمفسرون، ج 2، ص 491 - 494)

11 - اگر تفسیر علمی را بپذیریم، بلاغت قرآن مخدوش می شود. زیرا بلاغت عبارت از مطابقت کلام، با مقتضای حال است در حالی که طبق تفسیر علمی باید بگوییم که اعراب نسبت به معانی و مفاهیمی که خداوند از الفاظ قرآن اراده کرده، جاهل بوده اند و این موجب می شود که یکی از خصایص مهم قرآن (بلاغت و مراعات حال مخاطب) را از آن سلب کنیم (همان).

12 - راه های زیادی، برای اثبات اعجاز قرآن وجود دارد. بنابر این، از اعجاز علمی با این پیامدها بی نیاز است (همان).

13 - تفسیر علمی، با اعجاز قرآن و تحدی آن منافات دارد. زیرا قرآن خطاب به اعراب صدر اسلام که اغلب خواندن و نوشتن نمی دانستند، می گوید:

171# اگر می توانید سوره ای مانند قرآن بیاورید» اگر بنا باشد قرآن مطالب و کشفیات عالی علمی را بیان کند، مسلم است که مردم آن زمان، به دلیل عدم پیشرفت علمی، از آوردن مثل قرآن، عاجز بوده اند. با این مبنا تحدی قرآن باطل می شود؛ چرا که اگر مردم پیشرفت علمی داشتند، شاید می توانستند مانند قرآن بیاورند. از این رو کسانی که همه علوم را به قرآن نسبت می دهند، توجه ندارند که اعجاز تحدی قرآن را باطل کرده اند، در حالی که قصد آنان این بوده که اعجاز قرآن را اثبات کنند.

بررسی دلایل مخالفان تفسیر علمی

در مورد دلیل اول می گوییم: این که قرآن برای بیان مسایل آخرت و احکام آمده باشد، با این مطلب که قرآن بعضی مطالب علمی را قبل از کشف آن به وسیله ی علوم تجربی، خبر داده باشد، منافاتی ندارد، بلکه دلیل عظمت قرآن و علم غیب نازل کننده آن است. هدف اصلی قرآن، بیان علوم طبیعی و ذکر فرمول های فیزیک، شیمی و امثال آن ها نیست، ولی می توان گفت که قرآن اشاراتی علمی دارد که در راستای اهداف هدایتی و تربیتی خود از آن ها استفاده کرده است. اگر قرآن تنها برای بیان احکام و مسایل تعبدی و آنچه به آخرت مربوط است، پس مثال های علمی قرآن و مطالب آن ها چه می شود؟ آیا آن ها از قرآن نیست و احتیاج به تفسیر ندارد؟ علاوه بر آن، نظر شاطبی، رد استخراج همه علوم از قرآن (یک قسم خاص تفسیر علمی) است که این مطلب صحیحی است و ما هم این قسم از تفسیر علمی را صحیح نمی دانیم.

در مورد دلیل دوم نظرمخالفان نیز ناظر به وجود همه علوم بشری در قرآن و استخراج آن ها از قرآن است که این مطلب مردود است و ناظر به قسم خاصی از تفسیر علمی (یعنی استخراج علوم از قرآن) است.

در مورد دلیل سوم از یک جهت صحیح و از جهتی غیر صحیح به نظر می رسد. اگر قرآن را با نظریه های ثابت نشده ی علمی تفسیر کنیم، همین اشکال راهیابی تضاد علوم در قرآن (تردید در ایمان مردم و...) به وجود می آید، ولی اگر قرآن را با علوم تجربی قطعی تفسیر کنیم، این اشکال به وجود نمی آید.

دلیل چهارم و پنجم به صورت جزئی (موجهه ی جزئی) صحیح است. یعنی در بعضی موارد، افراد با حسن نیت یا سوء نیت دچار تفسیر به رأی می شوند و یا از تفسیر علمی سوء استفاده می کنند و به کژراهه می روند و خود را مستحق آتش الهی می سازند. اما تفسیر علمی همیشه این گونه نیست، بلکه اگر فردی با دارا بودن شرایط یک مفسر قرآن و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، آیه ای از قرآن که ظاهر آن، با یک مطلب قطعی علمی موافق است، تفسیر کند، نه تنها تفسیر به رأی نیست، بلکه موجب روشن شدن مفهوم و تفسیر آیه نیز می شود به عبارت دیگر، این اشکال به مفسر است نه روش تفسیری. یعنی کسانی که تفسیر قرآن به قرآن یا تفسیر روایی نیز می کنند ممکن است گرفتار تفسیر به رأی شوند ولی این مطلب موجب محکومیت روش تفسیر قرآن به قرآن یا تفسیر روایی نمی شود، بلکه خطای مفسر را اثبات می کند.

دلیل ششم (به صورت موجهه ی جزئی) در بعضی موارد صحیح است. یعنی بعضی افراد ممکن است بدون قرینه ی نقلی یا عقلی، به تأویل آیات قرآن بپردازند، تا نظریه های مورد قبول خود را بر قرآن تحمیل کنند و این خطای افراد است. یعنی اگر تأویل (ارجاع لفظ به معنای خلاف ظاهر) با داشتن قرینه قطعی باشد، اشکال ندارد و اگر بدون قرینه قطعی باشد، صحیح نیست، ولی در همه ی موارد، تفسیر علمی قرآن به تأویل غیر صحیح منجر نمی شود، بلکه اگر مفسر با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، آیه ای از قرآن را، با مطلب قطعی علمی تفسیر کند و از تأویل ناصواب بهره یزد، نه تنها اشکالی پدید نمی آید، بلکه معنای آیه و تفسیر آن روشن می شود و همین طور است اگر با قرینه قطعی، تأویل صحیح کند. (برای اطلاع از معانی تأویل و موارد جواز و عدم جواز آن ر. ک: آیه الله معرفت التفسیر و المفسرون، محمد علی رضایی، در آمدی بر تفسیر علمی، مبحث تأویل و همچنین بحث تفسیر ئ تأویل کتاب قرآن منشور زندگی، دکتر قرضاوی، مترجم، عبدالعزیز سلیمی).

دلیل هفتم صحیح نیست. هر گاه یک مفسر با دارا بودن شرایط تفسیر و از کانال تفسیر معتبر (با رعایت شرایط تفسیر معتبر) اقدام به تفسیر علمی کند، نه تنها عمل ذوقی و بی ملاک انجام نداده، بلکه به یکی از طریق تفسیر عمل کرده و معانی قرآن را روشن ساخته است.

در مورد دلیل هشتم باید گفت که برخی مفسران در تفسیر علمی افراط کرده و از اهداف هدایتی و تربیتی قرآن غفلت کرده اند (همچون طنطاوی در الجواهر) ولی ممکن است در یک تفسیر قرآن، هم مطالب علمی بررسی شود و هم مقاصد عالی آن مانند هدایت، تربیت و... فراموش نشود. اگر مفسر، دچار خطا شود، دلیل خطا بودن شیوه تفسیری نخواهد بود، بلکه او افراط کرده است ولی تفسیر علمی، به نحو معتدل و همراه با استفاده از روش های دیگر تفسیر و توجه به اهداف عالی قرآن بلا اشکال است.

دلیل نهم برای رد تفسیر علمی کافی به نظر نمی رسد. زیرا این که قرآن نور، هدایت و بیان است، با این مطلب که برای تفسیر آیه ای، یا روشن کردن مفاد جملات آن که برای ما روشن نیست از علوم مختلف، مانند نحو، صرف، معانی بیان، اصول و مطالب قطعی علوم تجربی، کمک بگیریم، منافاتی ندارد و بدان معنا نیست که قرآن نور و هدایت نباشد. زیرا قرآن هدایت کننده است اما فهم ما ناقص

است و ما به وسیله این علوم، از مطالب عالی قرآن بهره مند می شویم. پس در حقیقت، ما به کمک گرفتن از علوم برای فهم قرآن، نیازمندیم و قرآن نیازمند چیزی نیست. در موارد اختلاف در علوم نیز معیار ما خود قرآن است که هر چه موافق قرآن بود، صحیح و هر چه مخالف بود، باطل است.

دلیل دهم در مورد برخی انواع تفسیر علمی مانند استخراج و تحمیل و تطبیق نظریه های علمی بر قرآن، صادق است. برای مثال هنگامی که عبدالرزاق نوفل «؛ نفس واحده» را به پروتون تفسیر می کند، معنای لغوی و اصطلاحی آیه خارج شده است و این روش صحیح نیست. اما در تفسیر علمی به صورت استخدام علوم در فهم قرآن این گونه نیست.

برای مثال هنگامی که آیه «؛اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوُّهَا» (سوره رعد/آیه 2) «؛عمد» را به همان معنای ستون تفسیر می کنیم. اما نیروی جاذبه یکی از مصداق های آن است که علوم جدید کشف کرده است. یا الفاظ قرآنی (مثل زوجیت) با یافته های علمی، کاملاً موافق است و لازم نیست الفاظ را مجازی معنا کنیم.

در پاسخ دلیل یازدهم می توان گفت: قرآن برای یک نسل خاصی، نازل نشده و این که با مرور زمان، معانی و مصادیق تازه ای از آیات قرآن فهمیده یا کشف شود و تفسیرها و تبیین های جدیدی از آن ها ارائه شود، دلیل عظمت قرآن است و این اوج بلاغت است که کسی طوری سخن گوید که هر کس و هر نسل به اندازه ی فهم و علم خود از آن برداشت کند. البته معانی الفاظ قرآن بر اساس همان لغت صدر اسلام معنا می شود و معانی دیگری از الفاظ اراده نشده است، ولی آیا همه آیات قرآن و معانی بلند آن را عرب صدر اسلام متوجه می شد؟ مگر در مورد آیات اول سوره حدید و سوره توحید روایت نشده که معارف بلند آن ها را مردم آخر الزمان می فهمند آیا برخی از صحابه نسبت به لغات و تفسیر آیات با مشکل روبه رو نمی شدند و از پیامبر (ص) و علی (ع) و ابن عباس نمی پرسیدند؟ در مورد دلیل دوازدهم می گوییم: این که راه های مختلفی برای اثبات اعجاز قرآن وجود دارد، مانع استفاده از طریق علمی، برای اثبات اعجاز قرآن نمی شود و اشکالی ندارد که با پیشرفت علم و آگاهی انسان، ابعاد تازه ای از اعجاز قرآن برای ما معلوم شود.

ودلیل سیزدهم مخالفان تفسیر علمی شبیه به یک مغالطه است. زیرا اعجاز علمی قرآن از صدر اسلام که مردم پیشرفت علمی نداشتند، تا امروز که مردم در اوج پیشرفت علمی هستند، پا برجاست و هنوز هم قرآن تحدی می کند، ولی کسی نمی تواند سوره ای مانند آن بیاورد علاوه بر آن این که مردم نسبت به واقعیات قطعی علمی جاهل باشند، موجب باطل شدن اعجاز علمی قرآن نمی شود، بلکه همین مطلب خود دلیل اعجاز قرآن است که آورده اند قرآن از قطعیات علوم اطلاع داشته و دانشمندان حتی در زمان حاضر، اطلاع کافی ندارند و هر چه علم پیشرفت می کند، مطالب علمی قرآن روشن تر می شود.

افراط گرایی در تفسیر علمی قرآن

درباره ی توجه افراط گرایانه به تفسیر علمی، سخن بسیار است. در این جا خوب است سخن یکی از قائلان به تفسیر علمی در روزگار معاصر را نقل کنیم تا نشان دهیم زیاده روی در تفسیر علمی آیات می تواند برخی از تفاسیر مانند تفسیر طنطاوی را به دایرة المعارفی از علوم جدید تبدیل کند که در آن - به جای تفسیر - خواننده با فیزیک، شیمی، پزشکی، نجوم، روان شناسی و... مواجه می شود. این نویسنده می گوید: «؛بیش از یک دهم آیات مربوط به علوم طبیعی است و به صورت دقیق 670 آیه در مورد علوم گوناگون وجود دارد، 61 آیه درباره نظریه نسبیت، 100 آیه در ستاره شناسی و نجوم، 20 آیه درباره عوامل جوی مانند دما، فشار هوا، بادهای و...، 14 آیه درباره آب ها، 11 آیه درباره فاصله میان ستارگان، 12 آیه در حیوان شناسی، 21 آیه در کشاورزی، 73 آیه در جغرافیای عمومی، 10 آیه در علم زیست شناسی، 20 آیه در طبقات زمین، 36 آیه در پیدایش هستی و تاریخ آن و بالاخره 64 آیه در توصیف علم» (یوسف مروه، علوم الطبیعیة فی القرآن، ص 76).

اما در گونه ی میانه رو در تفسیر علمی، دیدگاه های علمی بر آیات تحمیل نمی شوند، بلکه فقط در فهم قرآن راهگشا واقع می شوند، مثلاً در جامعه شناسی با مباحثی نظیر رابطه فرد و جامعه، جبر اجتماعی، عوامل موثر در تحول جامعه و... روبه رو هستیم و گروهی نیز کوشیده اند که قرآن را از منظر چنین مباحثی بررسی کنند و دیدگاه قرآن را در این باره دریابند. (محمدجعفر نجفی علمی، برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن)

و همچنین است در روان شناسی که عده ای با گرایش علمی، تلاش کرده اند تا دیدگاه قرآن را در این مقوله توضیح دهند. (نجاتی، محمد عثمان، ترجمه عباس عرب ص 250).

ولی در گونه ی افراط گرایانه تفسیر علمی یافته ها و دیدگاه های علمی، اصل فرض می شوند و آیات قرآن براساس آن تفسیر - و یا بهتر بگوییم - توجیه می شوند.

برای آن که نشان دهیم تفسیر علمی تا چه حدی می تواند به تحریف باورهای دینی بینجامد، به یکی از کسانی که قرآن را به گونه ای افراط گرایانه براساس روش علمی تفسیر کرده است - یعنی سر سید احمدخان هندی - و تفسیر شگفت انگیز و عجیب او با نام «؛تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» اشاره می کنیم:

سیداحمدخان که اوج گرفتن علم و سقوط کار و بار دین را در اروپای زمان خود دیده بود، گویی به این باور رسیده بود که تنها با دو وضعیت روبه روست: یا باید از دین دست برداشت و یا باید به عقل گرایی و علم گرایی روی آورد و برای توجیه و توضیح اصول و فروع شریعت، از عقل و علم دلیل آورد و هرچه را که در این دو قلمرو نمی گنجد منکر شد، یا تأویل کرد. از نظر سید احمدخان، محک حقانیت تعالیم دینی، هماهنگی آن ها با معیارهای عقل طبیعی است، لذا در تأویل خود از قرآن، مثلاً معجزات را به شیوه ای تأویل می کند که با آن معیارها منطبق باشد. منابع دیگر نیز مانند سنت و اجماع رد می شوند.

تفسیر سیداحمدخان نمونه بارز رویکردی است که می توانیم آن را «؛تفسیر مادی» بنامیم. در این گرایش سعی بر آن است تا آیات براساس ذهنیت برگرفته از واقعیت های مادی - که گاهی لباس علم بر تن کرده اند - توضیح داده شوند و هیچ گونه معیار

قرآنی جز دیدگاه های شخصی مفسر از مفاهیم مادی و اجتماعی مورد توجه قرار نگیرد. اشاره به چند نمونه از آرای تفسیری او، موضوع را روشن تر می کند: احمدخان مفهوم وحی را به انعکاس ژرفنای روح پیامبر تفسیر می کند و معتقد می شود که قلب پیامبر است که به عنوان یک قاصد، پیغام به نزد خدا می برد و پیغام از خدا گرفته و برمی گردد. (سیداحمدخان هندی، تفسیر القرآن و هوالهدی و الفرقان، ج 2، ص 60 و نیز: تفسیر و تفاسیر جدید، ص 67). او همچنین در تفسیر آیه (وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ.....) (بقره/ 25). بهشت و جهنم را به واقعیت های درک نشدنی تفسیر می کند و معتقد می شود که خداوند بر سبیل تشبیه، بهشت را به کیفیت برخی ملایمات و لذایذ طبیعی نفسانی بیان فرموده و نیز مصایب دوزخ را به سوختن در آتش، نوشیدن حمیم و مانند آن تمثیل کرده است (تفسیر القرآن و هوالهدی...، ج 1، ص 71).

تفسیر شکافته شدن دریا در داستان موسی به جزر و مد دریا از دیگر آرای تفسیر اوست. (همان، ص 128). سیدجمال الدین اسدآبادی که رساله «نیچریه» را از جمله در رد و نقد آرای سید احمدخان نگاشته است، درباره او می نویسد: «سیداحمدخان... همت خود را بر این گماشته است که هر آیه ای را که در آن ذکری از ملک و یا جن و یا روح الامین و یا وحی و یا جنت و یا نار و یا معجزه ای از معجزات انبیا می رود، از ظاهر خود برآورده به تأویلات زندیق های قرون سابقه مسلمانان تأویل نماید و در پایان می گوید:.... نه این مفسر، مصلح است و نه تفسیر آن از برای اصلاحات و تربیت مسلمانان نوشته شده است.... (مقالات جمالیه، صص 97-104. متن مورد استناد ما در باب مقالات جمالیه به چاپ افست آن مربوط است).

چند نمونه تفسیر علمی

نمونه یکم:

«اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا». (رعد/ 2)

مفسران پیشین چنین می گفتند که: «مقصود از ستون های نامرئی قدرت الهی است.» اما پس از کشف جاذبه عمومی، برخی از مفسران جمله «بغیر عمد ترونها» را به جاذبه میان زمین و خورشید تفسیر کردند و معتقد شدند که منظور از این جمله، همان جاذبه نامرئی میان کرات است. (تفسیر نمونه، ج 10، ص 111).

نمونه دوم:

«وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ». (الذاریات/ 47).

در گذشته معمولاً چنین بود که «موسعون» را به گشایش در رزق و روزی یا قدرت معنا می کردند. (مجمع البیان، ج 9-10، ص 242).

ولی پس از طرح مفاهیم جدید در گسترش فضا، این کلمه را به گسترش فضا معنا کرده اند (المیزان، ج 18، ص 382).

نمونه سوم:

«أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا». (رعد / 41). آیا ندیدند که ما پیوسته به سراغ زمین می آیم و از اطراف (و جوانب) آن کم می کنیم؟!

تاکنون مقصود از این آیه ویرانی سرزمین ها و نابودی امت ها بوده و گاه نیز به مرگ عالمان تفسیر می شده است (زمخشری، ج 3، ص 119).

اما برخی نویسندگان معاصر، مقصود از آیه را جدا شدن ماه از زمین دانسته اند، با این توضیح که منظور از اطراف، ماه و مقصود از نقص جدا کردن باشد.

نمونه چهارم:

این نمونه درواقع اشاره ای به یک مورد از رویکرد علمی به قرآن و نقد آن دارد: در اکثر برداشت های تفسیری از آیات 16 تا 36 سوره مریم در باب خارق العادگی آفرینش عیسی و بکرزایی حضرت مریم، به قضای محتوم الهی و اراده مطلق او (با کلمه تکوینی «کن») برشدن ناشدنی ها اشاره رفته است و معلوم است که با وجود چنین دیدگاهی، دیگر جای سخن گفتن از توجیهات مثلاً علمی درباره بکرزایی مریم نیست، زیرا دقیقاً به معنای نایکسانی در روش تفسیری است. ناعالمانه بودن این رویکرد، مخصوصاً وقتی است که مرجع علمی ما منحصر به کتابی نه چندان تخصصی مانند «انسان، موجود ناشناخته» باشد. (تفسیر نمونه، ج 13، ص 58).

گروهی که در این موضوع در پی توجیهات علمی اند، باید به این نکته توجه کنند که خود، تولد عیسی را به عالم امر مربوط دانسته اند و این مسئله را که از سوی معتقدان به آن، جای روی آوردن به هرگونه توجیهات علمی و غیر علمی هست در نظر گرفته اند. در این میان برخی بدون توجه به نکته ی فوق، معانی خاصی را از این موضوع به دست داده اند که عجیب است. بیضاوی نمونه خوبی است. او در تفسیرش می گوید: «جبرائیل به گونه ی جوانی خوبروی بر مریم جلوه کرد تا مریم به کلام او انس گیرد، شاید که هیجان شهوت، نطفه را به رحم مریم بازرساند. (تفسیر بیضاوی، ج 4، صص 8-9).

جا دارد، حسن ختام این مقاله را با بحثی روشنگرانه در تفسیر «فی ظلال القرآن» پیرامون تصحیح نگرش به آیات علمی قرآن

و تفسیر آنها از زبان شهید سید قطب (ره) کامل کنیم:

171#؛ شکی نیست که قرآن کتاب هدایت انسان است. قرآن برای تحقق این هدف اساسی، در صدد ایجاد جهان بینی خاص، نظام خاص و جامعه ای خاص می باشد. در صدد ایجاد امت جدیدی در روی زمین است که نقش ویژه ی خود را در رهبری بشریت به سوی شاهره حق و خیر و فضیلت بر عهده گرفته و نمونه ی معینی از جامعه ی انسانی را که در مکتب ها و نظامهای بشری تکرار نشده است، پدیدار گرداند. بنابراین، هدف اصلی قرآن پرداختن به علوم و معارف کونی نبوده و اعجاز علمی آن نیز کل ابعاد اعجازی قرآن را در بر نمی گیرد. به همین دلیل قرآن نیامده تا کتابی در علم نجوم یا کیمیا یا طب باشد؛ آنگونه که بعضی از هواداران قرآن از آن می طلبند. یا چنانکه در جانب دیگر، برخی از دشمنان قرآن می خواهند تا آن را به پندار خود در سنگر مقابل این علوم قرار دهند! بی تردید هر دو نوع کوشش در این راستا، چه از سوی دوستان و چه از جانب دشمنان قرآن، نمایانگر درکی نادرست از طبیعت این کتاب و مأموریت اصلی آن می باشد. (قطب، سید، فی ظلال القرآن، ج 1، ص 181)

نتیجه گیری

از مجموع مباحثی که برای نقد و بررسی تفسیر علمی آورده شده، به این نتیجه می رسیم که:

- قسم خاصی از تفسیر علمی (مانند استخراج همه علوم از قرآن یا تطبیق علوم بر قرآن) غیر قابل قبول و مردود است.
- جنبه مثبت آشنایی با بعد علمی اعجاز قرآن، در دل های مسلمانان اثر بلیغی برجای می گذارد؛ زیرا وقتی این حقایق درخشان را در کتابی که به آن ایمان دارند ببینند، ابهت و عظمت این کتاب، بیش از پیش در اعماق جان و روانشان رسوخ یافته و موجب تمسک بیشتر آنها به آموزه های این کتاب هدایت و نور خواهد گردید.
- تفسیر علمی باید ضابطه مند و پیرو ملاک و معیار های خاص خود باشد تا هدف از نزول قرآن که همان ایجاد شخصیت ربانی برای انسان و تأمین لوازم حیات طیبه و سعادت او در هردو سرا، می باشد، تحقق یابد.
- پرداختن قرآن در بخشی از آیاتش به علوم تجربی و طبیعی می تواند بهترین مشوق و انگیزه برای مسلمانان باشد تا مسیر پژوهش های علمی را پی گرفته و به پیشرفت معرفتی و علمی دست یابند و بزرگترین چالش دنیای اسلام را که همانا عقب ماندگی در عرصه ی علوم است درمان کنند. چنانکه این عامل نقش خود را در عصر اولیه ی طلایی اسلام که مسلمانان هم از نظر فهم و هم در عمل به قرآن نزدیکتر بودند به درستی ایفا کرد.
- آیات قرآن را نباید با علوم متزلزل و غیر قطعی تفسیر کنیم. زیرا بعد از مدتی با تغییر نظریه ها، مردم در مورد بیانات قرآنی شک می کنند و ایمان آنان متزلزل می شود.
- کسانی که بدون داشتن شرایط یک مفسر، و داشتن تخصص کافی در زمینه ی قرآن و قواعد تفسیر، اقدام به تفسیر آیات علمی قرآن می کنند کارشان در بسیاری موارد به تفسیر به رأی منجر می شود.
- سخن آخر اینکه: قرآن کتابی علمی نیست، بلکه هدف اساسی از نزول آن راهیابی انسانها به کمال انسانی اشان است، و بقول 171#؛ شهید سید قطب در تفسیر فی ظلال، «قرآن اساساً کتاب تربیت و هدایت و دعوت انسانها به سوی خداست.
- گر خواهی مسلمان زیستن نیست ممکن جز به قرآن زیستن
- (اقبال لاهوری، شاعر اسلام)
- وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

فهرست منابع و مصاد

الف) منابع عربی

8226#؛ الإمام البخاري، أبي عبد الله، محمد بن إسماعيل. صحيح البخاري مع فتح الباري. دار المعرفة، بيروت.

8226#؛ الإمام أبي الحسين، مسلم بن الحجاج القشيري. صحيح مسلم - حقه ورقم أحاديته: عبد الباقي، محمد فؤاد. 2005م - دار إحياء التراث العربي.

8226#؛ ابن كثير، لعلماد الدين أبي الفداء إسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، تحقيق عبد العزيز غيم ومحمد عاشور ومحمد إبراهيم البتا، كتاب الشعب، القاهرة، مصر.

8226#؛ احمد عمرابو حجر، التفسير العلمي للقرآن في الميزان، دار قتيبة، بيروت، چاپ اول: 1411.

8226#؛ الطبرسي، لأبي على الفضل بن الحسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، ط / دار الكتب العلمية. بيروت.

8226#؛ القرطبي، لابی عبدالله محمد بن احمد الانصاري، تفسير القرطبي، دار احياء التراث العربي، بيروت، لبنان، 1965 م.

8226#؛ الألوسي، لشهاب الدين السيد محمود (1270هـ)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ط / إحياء التراث العربي - الرابعة - 1405هـ / 1985م.

8226#؛ المراغي، ل احمد مصطفى، تفسير المراغي، طبع دار الفكر بيروت الطبعة الثالثة، 1940 هـ.

8226#؛ امين الخولي، مناهج التجديد في النحو والبلاغة و التفسير و الادب، بی نا، بی تا.

8226#؛ البياضوي، الامام ناصرالدين ابوالخير عبدالله الشيرازي، تفسير البياضوي السمي انوار التنزيل و اسرار التاويل، سنه الطبع 1402 هـ - 1982 م دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.

8226#؛ الفخر الرازي، التفسير الكبير، أبي عبد الله محمد بن عمر، دار إحياء التراث العربي، بيروت، الطبعة الثانية.

فصلنامه ها:

•# فصلنامه پژوهش های قرآنی، ش 7 و 8.

•# مجله بینات، ش، ۱.

نویسنده: حمزه - خان بیگی

منبع: سایت - باشگاه اندیشه